

گزارش اختصاصی «توسعه ایرانی» از چگونگی سلبریتیزه شدن فضای جامعه

شاخ‌هایی که در «فقدان‌ها» اساطیر می‌شوند



اسمومحمدی

تومان منتشر می‌شود. یعنی درآمد روزانه یک میلیون تومان و درآمد ماهانه ۳۰ میلیون تومان.

شاخ‌ها خوب می‌دانند که مردم نقطه ضعفشان چیست و باید دست روی کجا بگذارند تا فالوئر جمع کنند و مردم به سمتشان سرازیر شوند. آنها خوب می‌دانند مسئله «بدن» در ایران حساسیت برانگیز است. برای همین از جای جای بدن شروع می‌کنند؛ از نوک ناخن گرفته تا موهای سر. جالب این است که مردم از این وضعیت استقبال می‌کنند. تاجایی که دو میلیون کاربر برای یک «پوسه» هزاران کامنت می‌گذارند. بیشتر این شاخ‌ها آدم‌های ثروتمندی هستند و معمولاً زندگی سرمایه‌داران برای فقر جالب و قابل توجه است. فالوئرهای زیاد این شاخ‌ها هم از همین منطبق پیروی می‌کنند؛ اینکه کاربران طبقه‌های اجتماعی پایین، بدانند و ببینند زندگی بورژواها چگونه می‌گذرد؛ تابوهای حسرت‌برانگیزی و عرفی که جامعه شکل داده، شبکه‌های اجتماعی آن را بهم ریخته است. فضای مجازی این امکان را فراهم آورده که کاربران به آن سوی دیوار تابوها و عرف‌های اجتماعی به‌ویژه زندگی خصوصی شاخ‌ها سرک بکشند. قبلاً اگر از کنار یک ویلا رد می‌شدی، سعی می‌کردی به هر بهانه سرکی در آن بکشی که ببینی چه خبر است. حالا فضای مجازی این دیوار را از بین برده و شما می‌توانید به‌صورت آنلاین تا عمق اتاق خواب بروید و فرآیند آشتی کتان آنها را ببیند.

ماجرای نیلی و پویان

چند روز پیش یک شاخ اینستاگرامی به اسم «پویان مختاری» با همسرش «نیلوفر اشرفی» قهر کردند. بعد از چند روز گفت‌وگو در طول ۴۰ دقیقه ۴۰ هزار تا کامنت بگذارید، زنگ می‌زنم به «نیلی» و با او آشتی می‌کنم. در مدت ۱۰ دقیقه کامنت‌ها به ۵۰ هزار رسید. هر دو آمدند لایو اینستاگرام و آشتی کردند. ۴۰ هزار نفر هم آشتی‌شان را به‌صورت زنده دیدند. در ویدئوی بعدی که منتشر کردند «نیلی» می‌گوید اگر تعداد کامنت‌ها به دو میلیون برسد، «پویان» من را «می‌بوسد». حالا در ویدئوی بعدی گفته‌اند که اگر کامنت‌ها به سه میلیون برسد، پویان او را «بغل» می‌کند. واقعا این سطح از ابتدال از کجا نشأت می‌گیرد؟ ... پیگیره رابطهای رو که با کامنت و لایک سر پا بمونه!»، «خودتون اوسکلید یا ملت رو اوسکل کردین؟»، «چرا روابط خصوصی تون رو اینقدر راحت عمومی می‌کنید؟»، «اینا دقیقا چکاران؟ کسی میدونه؟»، «اینستا تو پاک کنی، باید گدایی کنی بعدش»، «چرا این حرکتها را جلوی دوربین انجام می‌دید؟ چرا نمیرید تون اتاق تون»، «همه زندگی تون شده لایک و فالوئر و کامنت»، «فردا چند نفر دیگه شروع می‌کنن. بس کنید». این گزاره‌ها و جمله‌ها واکنش‌هایی است که مردم به کشاندن روابط خصوصی این زوج به فضای عمومی نشان داده‌اند. اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود.

درآمد ۳۰ میلیونی صفحه «آتابانو» و «تیناجون»

در صفحه‌شان نوشته‌اند: «تیلیغات نداریم». این جمله ترفندی است که با آن فالوئر می‌گیرند و وقتی دنبال کننده‌ها به بیش از یک میلیون رسیدند، شروع به تبلیغ می‌کنند. نمونه این مدل، صفحه «ندا یاسی»، شاخ اینستاگرامی است که در ابتدا با توسل به انتشار کلیپ‌هایی با محتوای جنسی، رفتارها و اداهای خارج از عرف، صفحه‌اش بالا آمد و حالا شروع به تبلیغات میلیاردری کرده است. برای مثال صفحه «آتابانو» و «تیناجون» روزانه به‌طور میانگین چهار تا پنج کلیپ تولد منتشر می‌کنند. هر ویدئو با قیمت ۲۰۰ هزار

میلورزی انسان ایرانی کجا ایستاده است؟ در نقطه‌ای که زیست روزمره انسان ایرانی به دست سرمایه‌دار دوبران می‌شود و فقدان‌های عظیمی را برایش به‌وجود می‌آورد. فقدان مسکن، بچه‌لاکچرهای تهران را سلبریتی می‌کند. فقدان ماشین، ماشین‌سواران لوکس را سلبریتی می‌کند. فقدان بدن، بدنی که از قبل پیشاپیش ذیل کدهای زیبایی شناختی چنان تکه‌تکه شده که هیچ بدنی، بدن زیبا نیست.

بحران‌های زندگی روزمره اساطیر جدید را می‌سازد

وی ادامه می‌دهد: سلبریتی دقیقاً با بدنش، با ماشینش، با خانهاش، با روابط عاطفی عاشقانه و کیوتش (همین مثالی که شما زدید)، سلبریتی می‌شود. جامعه‌ای که حدوداً یک‌سوم و یک‌چهارم از دواج‌هایش به طلاق منجر می‌شود، بدبختی است که عشق در آن تبدیل به اسطوره می‌شود. در جامعه‌ای که میلیون‌ها نفر مستأجر دارد، بدبختی است که داشتن این ویلاهای لاکچری، تبدیل به رویا می‌شود. در جامعه‌ای که انبوه انسان‌ها به‌واسطه بحران‌های زندگی روزمره پر از فقدان شده‌اند، معلوم است که اساطیر جدید می‌سازد. ژاک لاکان یک جمله معروف و جالب توجه دارد. می‌گوید: «شاهی که فکر می‌کند واقعا شاه است، به اندازه همان احمق است. چرا؟ چون می‌کند شاه است، سلبریتی می‌کند شاه است، با عملی این شاخ‌هاست. این جمله‌ها واکنش‌هایی هستند که کاربران زیر ویدئوهای منتشر شده آنها نوشته‌اند. «یا جد طغرل»، «جن‌ها از بسم‌الله می‌ترسن»، «اینا شغلشون چیه؟»، «زهره ترک شدم»، «اینا خانواده ندارند یعنی؟»، «تتو و حجاب؟ بهم نمیان آخه!» به نظر می‌رسد این موارد پیامدهای طرح سالم‌سازی فضای مجازی است و مسئله از بعد روانشناسی هم قابل بحث و بررسی است.

شاخ‌های مجازی

بر بستر اختلالات شخصیت

یکی از نکته‌های قابل توجه چهره‌های کاملاً دست‌کاری شده و عملی این شاخ‌هاست. این جمله‌ها واکنش‌هایی هستند که کاربران زیر ویدئوهای منتشر شده آنها نوشته‌اند. «یا جد طغرل»، «جن‌ها از بسم‌الله می‌ترسن»، «اینا شغلشون چیه؟»، «زهره ترک شدم»، «اینا خانواده ندارند یعنی؟»، «تتو و حجاب؟ بهم نمیان آخه!» به نظر می‌رسد این موارد پیامدهای طرح سالم‌سازی فضای مجازی است و مسئله از بعد روانشناسی هم قابل بحث و بررسی است.

کاوه قادری، روانشناس بالینی و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی در این باره به «توسعه ایرانی» می‌گوید: شکل‌گیری و تداوم این وضعیت و اینگونه کلیپ‌های عجیب و غریب و استقبال‌های عجیب‌تر از آن از جنبه‌های مختلف جامعه‌شناختی، روانشناختی، ارتباطات و... قابل تبیین است که در این مورد بیشتر به ابعاد روانشناختی آن می‌پردازیم. در ابتدا باید دانست که شخصیت، شیوه فکر، رفتار و احساس کردن ماست که باعث تمایز ما از دیگران می‌شود. شخصیت هر فرد تحت تأثیر تجربه‌ها، محیط و خصوصیات ژنتیکی قرار دارد. معمولاً رفتارهایی که ما انجام می‌دهیم مطابق انتظارات فرهنگی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. روانشناسان معتقدند که تعامل نیروهای ژنتیکی و محیطی و به‌ویژه روابط اولیه با مراقبان در سال‌های اول زندگی ساختار اصلی شخصیت ما را شکل می‌دهند. الگوهای شخصیتی افکار، احساسات، رفتار و روابط بین‌فردی ما را عمیقاً متأثر می‌کنند. زمانی که این الگوهای تفکر به‌صورت سخت، شدید و تحریف شده درآیند، الگوهای پاسخ عاطفی مشکل‌دار را سبب شده، مشکلاتی در کنترل تکانه و رفتار به وجود آورند و با ایجاد مشکلات بیخبری قابل توجه باعث افت کارکرد شوند، می‌توان سخن از اختلال شخصیت به میان آورد.

قوام‌بخشی عزت‌نفس زخم‌خورده
قادری تصریح کرد: در این میان با بررسی اولیه‌ای در پدیده شاخ‌های مجازی و صفحه‌هایی از قبیل تیمارستان و کلیپ‌هایی از این دست که مورد بحث شماست، می‌توان به راحتی رگه‌هایی از اختلالات شخصیتی را در این افراد مشاهده کرد. بیشتر این شاخ‌های مجازی عمیقاً علائم و نشانه‌های اختلالات شخصیت خودشیفته، اختلال شخصیت نمایشی، مرزی و سایکوپات‌رانشان می‌دهند. برخی از این افراد با تحریف شدید در واقعیت، تفکر شبه‌هدیانی در مورد توانایی، زیبایی و جذابیت خود روبه‌رو هستند و معتقدند که زیبایی، قدرت و ثروت‌شان آنقدر اعجاب‌انگیز است که حسودان توان دیدن آن را ندارند و فالوئر‌ها

بیشتر این شاخ‌های مجازی عمیقاً علائم و نشانه‌های اختلالات شخصیت خودشیفته، اختلال شخصیت نمایشی، مرزی و سایکوپات‌رانشان می‌دهند. برخی از این افراد با تحریف شدید در واقعیت، تفکر شبه‌هدیانی در مورد توانایی، زیبایی و جذابیت خود روبه‌رو هستند

را به دو دسته فالوئرهای خوب (آنها که مدام جذابیت و قدرت‌شان را تایید کنند) و بد (آنها که چندان تایید کننده نیستند) تقسیم می‌کنند تا عزت‌نفس زخم‌خورده‌شان را قوام ببخشند. به شکل نمایشی از زندگی روزمره خود فیلم می‌گیرند و به مخاطبان خود القامی می‌کنند بهترین لحظات احساسی را در کنار معشوق خود سپری می‌کنند.

سیل بی‌پایان کامنت‌ها و فالوئر‌ها در آمده‌های هفتگ

این روانشناس بالینی توضیح می‌دهد: این در حالی است که در واقعیت عمیقاً از روابط بین فردی خود ناراضی بوده و احساسات خلا می‌کنند. افراد دارای اختلال شخصیت مرزی نیز با ارائه تصویری ناپایدار از خود و رفت و برگشت بین حالات ناپایدار در هیجان‌ها و رفتار روزی گریه سر می‌دهند برای دوری معشوق و روز دیگر او را فردی بی‌صرف و بی‌خود می‌خوانند (نمونه آن به‌وفور مشاهده می‌شود). افراد سایکوپات مدام از لای، تهدید و کری خوانی در برابر بدخواهان خود و مخاطبان‌شان دم می‌زنند و افراد دارای اختلال شخصیت نمایشی نیز با نمایش دادن خود و ارائه تصویری اغواگرانه جنسی و مصنوعی از خود در صدد دریافت توجه مخاطبان هستند. گاهی این رفتارهای نمایشی در رابطه با همسر و شریک جنسی به شکل اروتیک در فضای مجازی منتشر شده و با دریافت توجه بیشتر مخاطبان تقویت شده و به صورت سلسله مراتبی ادامه می‌یابد.

علاوه بر دریافت توجه مخاطبان و سیل بی‌پایان کامنت‌ها و فالوئر‌ها این افراد با گرفتن تبلیغات وسیع به درآمدهای هفتگ نیز می‌رسند و این همان چیزی است که الگوی اختلال گونه شخصیت، رفتارها و احساسات این افراد را تداوم می‌بخشد؛ چرا که از قبل نشانه‌های اختلال خود هم نفع اولیه کسب می‌کنند که همان دریافت توجه وسیع مخاطبان و قوام‌بخشی هویت متزلزل و ناپخته است و هم نفع ثانویه کسب می‌کنند (کسب درآمد از قبل نشانه‌های شان).

جلب توجه مخاطبان با اغواگری جنسی و نمایش‌های اروتیک
قادری تشریح کرد: در مورد کلیپ‌های اخیر نیز این مسئله به وضوح مشخص است. هیجان‌ها مبتنی بر اغواگری جنسی، نمایش روابط خصوصی در فضای مجازی، نمایش مصنوعی عشق و دلدادگی به معشوق و اشکار سازی قدم به قدم روابط به ظاهر عاشقانه و به غایت اروتیک با طیف وسیعی از توجه مخاطبان مواجه شده است. حال باید به این پرداخت که چرا جامعه چنین حجم زیادی از توجه به این کلیپ‌ها را بروز می‌دهد؟ دلیل را می‌توان از چند جنبه به شکل مختصر بیان کرد. دسته‌ای از افراد صراف‌های سرگرمی و کنج‌کاوی و خنده این صفحه‌ها را رصد می‌کنند که این یک شادی واکنشی است و لزوماً توان تولید نشاط پایدار را ندارند.

دسته‌ای دیگر این افراد را آرمان‌سازی کرده و آرزوهای ناخودآگاه خود را که منشعب از همان دست اختلالات شخصیت است از طریق این افراد و با مکانیسم‌های جای‌دنبال می‌کنند و زبان حال‌شان این می‌شود: اگر چه من شاید نتوانم این تکانه‌ها را بروز دهم؛ اما دیگری (شاخ مجازی) به جای من آنقدر جرات کرده که عریان شود، توانایی‌های اعجاب‌انگیز خویش را بشناسد و یا حتی قتل انجام دهد، بدون اینکه من تنبیه‌های آن را متحمل شوم و دسته آخر افرادی هستند که به‌عنوان مصرف‌کننده‌های بزرگ کالای لوکس و تجملی هیجان‌ها و زندگی لاکچری به دنبال کسب فرمول خوشبختی خویش هستند.

